

خبرنویسی مدرن

• علی حمیدی^۱

دانشجوی دکترای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

به اینترنت قادر است رسانه شخصی خود را در اختیار داشته باشد، خبر و خبرنویسی تحولات بسیاری را شاهد بوده است. اینترنت و وب با عوض کردن مفهوم خبرنویسی کلاسیک، مفاهیم جدیدی را به این عرصه وارد کرده است. در کتاب خبرنویسی مدرن اثر دکتر یونس شکرخواه به این مسئله در نه فصل که هر یک در قالب مقاله‌ای واحد ارائه شده، پرداخته شده است.

نویسنده کتاب، متخصص حوزه ارتباطات و از مترجمان این رشته است. یونس شکرخواه (متولد ۱۳۳۶ مشهد)، صاحب دانشنامه کارشناسی در رشته مترجمی زبان انگلیسی، کارشناسی ارشد در رشته ارتباطات و دکتری در رشته علوم ارتباطات است. وی عضو هیئت مؤسس و هیئت مدیره انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، عضو گروه چندرسانه‌ای فرهنگستان هنر و عضو کمیسیون اطلاعات در کمیسیون ملی یونسکو در ایران است و در دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران تدریس می‌کند. از ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۷ ش. دبیر بخش بین‌الملل و عضو شورای تیر روزنامه کیهان بوده و هم‌اکنون سردبیر نشریه اینترنتی همشهری آنلاین است. شکرخواه آثار زیادی در قالب تألیف و ترجمه دارد که فهرست آنها را می‌توان در یونس اسپیس بلاگ سپات^۲، وبلاگ شخصی وی، مشاهده کرد.

هدف از نگارش این کتاب، آشنایی با تحولات سایبرژورنالیسم است که محور اصلی تحولات خبرنویسی در عصر جدید را شکل می‌دهد. بدین منظور، این کتاب



■ شکرخواه، یونس. خبرنویسی مدرن. ویرایش ۲. تهران: خجسته، ۱۳۸۱ [چاپ سوم، ۱۳۸۷]، ۱۰۴ ص، شابک: ۹۶۴-۶۲۳۳-۴۹-X

خبر به‌منزله گزارش یک رویداد، نقش مهمی در دنیای کنونی دارد؛ دنیایی که در آن آگاهی اجتماعی از ضروریات حیات جمعی است و این مهم بدون خبر حاصل نمی‌شود. از دوران ژولیوس سزار در بیش از دوهزار سال قبل که اولین نشریات یعنی اکتاسناتوس، اکتاپابلکا و اکتادیورنا با انحصار دولتی منتشر می‌شد، تا کنون که هر کس با داشتن امکان دسترسی



هدف از نگارش این کتاب، آشنایی با تحولات سایبرژورنالیزم است که محور اصلی تحولات خبرنویسی در عصر جدید را شکل می‌دهد

خبرنویسی کلاسیک با خبرنویسی مدرن را با رویکردی مقایسه‌ای بررسی کرده است. البته همان‌طور که نویسنده نیز در مقدمه اشاره کرده است، مخاطبان اصلی کتاب کسانی‌اند که با خبرنویسی کلاسیک آشنایی دارند. بنابراین وی در این کتاب پس از اشاره‌ای مختصر به مفاهیم خبرنویسی کلاسیک، تحولاتی را که به ورود در عرصه خبرنویسی مدرن منجر شده، بررسی می‌کند.

نویسنده در فصل اول، «شلیک به ژولیوس سزار»، به بیان تغییرات حاصل‌شده نسبت به گذشته در عرصه خبر و خبرنویسی می‌پردازد. وی ضمن اشاره به رقابای جدید روزنامه‌ها، یعنی تلویزیون‌ها، رادیوها، ماهواره‌ها، اینترنت و نظایر آنها، می‌نویسد که «هر رقیب تازه ممیزه‌های تازه‌تری را به حریف تحمیل می‌کند. یک محیط همسان، دو موجود همسان را نمی‌پذیرد. یکی از آنها می‌ماند و آن که می‌ماند حتماً ممیزه‌ای برای بقای خود ایجاد کرده است و به‌زبان ساده‌تر آن که می‌ماند قدرت انطباق فعال را به ساختار خود افزوده است» (ص ۱۰).

در این فصل ضمن اشاره به مراحل دهگانه خبرنویسی از دیدگاه توماس برنر، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نود درصد از فرایند خبرنویسی، کاری به قلم و کاغذ ندارد. بنابراین نویسنده بیان می‌کند که تغییرات نوین در نود درصد اصول کار خبرنویسی کلاسیک، تحولی ایجاد نکرده است. با این وصف تکراری‌شدن سبک خبرنویسی، یعنی استفاده از هرم وارونه و عدم تکرار کلمات، باعث خسته‌شدن مخاطب می‌شود. در حالی که در خبرنویسی مخاطب اصل است و

درواقع خبر برای مخاطب نوشته می‌شود. پس باید در سبک خبرنویسی تغییراتی ایجاد کرد که از این امر تحت عنوان «زلزله در ارکان خبرنویسی» یاد شده است. در این فصل به نرم‌خبر به‌عنوان مکمل سخت‌خبر اشاره شده و حوزه‌های آن شامل افراد، علائق انسانی، گرایش‌های عام، خبرهای عمقی و پیشینه‌دهی به‌اختصار توضیح داده شده است.

در فصل دوم، «از خانه‌تکانی واژگانی تا دگرگونی ساختاری»، درباره دگرگونی در خبرنویسی بحث شده است. به‌اعتقاد نویسنده تغییرات ابتدا شکل واژگانی داشته‌اند و تلاش می‌شده تنها از تکرار کلمات پرهیز شود. اما به‌تدریج این تغییرات عمق بیشتری پیدا کرده و امروزه به فاصله‌گرفتن از سبک خبرنویسی به‌صورت هرم وارونه منتهی شده است.

در فصل سوم، «دوران نرم‌خبرها»، بیان می‌شود که «مردم می‌خواهند بدانند در اطراف آنها چه می‌گذرد» (ص ۲۵). نگارنده در این فصل با در نظر گرفتن این نکته که شیوهٔ اعلام، نمایش یا نگارش خبرها تکراری شده، در حوزهٔ خبرنگارنویسی دوگونه اصلی را مطرح کرده است: سخت‌خبر و نرم‌خبر.

شکرخواه در این فصل پس از مقایسهٔ نرم‌خبر و سخت‌خبر، به ساختار و انواع نرم‌خبرها پرداخته و بر این باور است که نرم‌خبرها برای مخاطبان جذابیت بیشتری دارند. مؤلف در فصل چهارم، «اقتصاد واژه‌ها»، می‌نویسد که در خبرنگارنویسی، خلاصه‌نویسی خبر در عین ارائهٔ اطلاعات اساسی یک اصل مهم است. وی از جمله دلایل این خلاصه‌نویسی را ایجاد فضای بیشتر برای آگهی‌ها، افزایش سرعت در عرضهٔ اخبار و اطلاعات و نیز افزایش تنوع و تعداد اخبار برشمرده است.

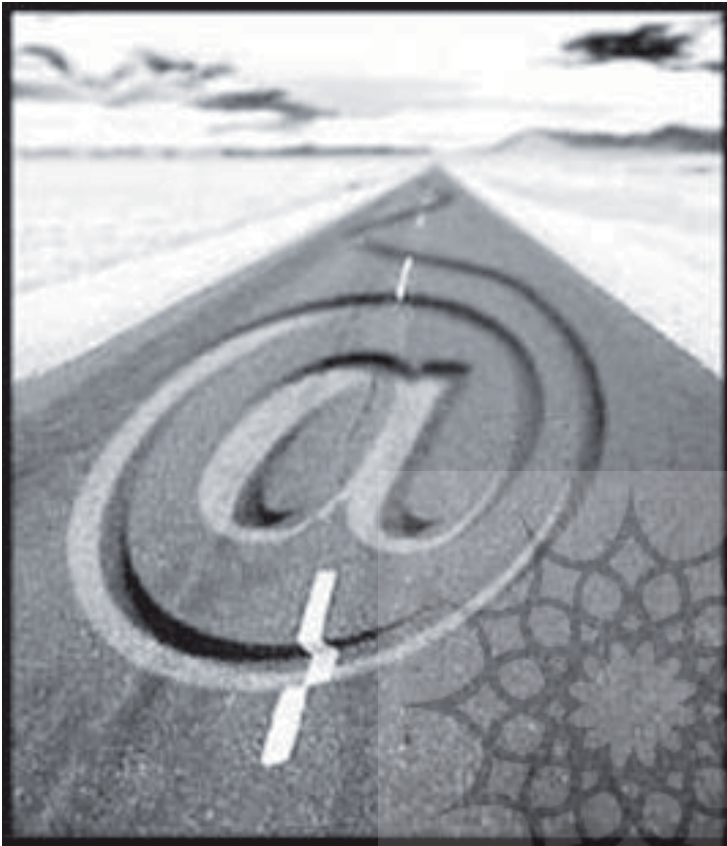
فصل پنجم به موضوع «خبر الکترونیک» اختصاص دارد. مؤلف این نوع خبر را چنین تعریف می‌کند: «به شکلی از خبرنگارنویسی اطلاق می‌شود که در رادیو، تلویزیون و شبکه‌های ارتباطی کاربرد دارد» (ص ۳۹). با این مقدمه، در این فصل ابتدا تفاوت‌های خبرنگارنویسی برای روزنامه و سایر رسانه‌ها مطرح شده و پس از آن به ویژگی‌های خبرنگارنویسی برای رادیو، تلویزیون و اینترنت با توجه به اختصاصات هر یک از این رسانه‌ها پرداخته شده است.

نویسنده در فصل بعدی، «کاربرد اینترنت در روزنامه‌نگاری»، پس از بیان تاریخچهٔ کوتاهی از اینترنت، پنج اصل اینترنت را معرفی می‌کند. این اصول شامل ساختار پایین به بالا، حرکت افقی، فرامتن، مهارت و کار از راه دور و تجارت اینترنتی است. وی ضمن توضیح اصول مطرح‌شده، ساختار روزنامه‌نگاری سنتی با روزنامه‌نگاری اینترنتی را مقایسه و بیان می‌کند که این دو پدیده چنان به هم گره خورده که امروز روزنامه‌نگاری در دل اینترنت معنا پیدا می‌کند و ترجمه می‌شود: «در یک جمله می‌توانم این را

نویسنده معتقد است که خبر امروز دیگر شکل عمودی ندارد و به شکل دایره است. به دیگر زبان، خبر اکنون به جایی ختم می‌شود که آغاز شده است

نویسنده دربارهٔ شکل خبر امروزی معتقد است که «خبر امروز دیگر شکل عمودی ندارد و به شکل دایره است. به دیگر زبان، خبر اکنون به جایی ختم می‌شود که آغاز شده است» (ص ۲۱). به این ترتیب دیگر ارزش اطلاعاتی که در سطور پایانی یک خبر مطرح می‌شود، کمتر از سطور اول خبر نیست. در این حالت، چرا به عنصر خبری وزن زیادی داده می‌شود و در آن علاوه بر پاسخ‌گویی به مخاطب، پرسش‌زایی هم صورت می‌گیرد؟ به این مفهوم که رویداد با پایان خبر به انتهای خود نمی‌رسد و مخاطب پس از پایان خبر چنین احساس می‌کند که رویداد هنوز خاتمه نیافته است و خود باید آن را دنبال کند.

در پایان این فصل بیان شده است که «خبرنویسی جدید که هنوز در یک حالت گذار به‌سرمی‌برد و ادبیات خود را کاملاً مکتوب نکرده و بیشتر در حاله‌ای موسوم به نرم‌خبر چهره می‌نماید، دامن‌زدن به اندیشهٔ انتقادی و پرسشگر در مخاطب را وظیفه‌ای جدی و حرفه‌ای قلمداد می‌نماید» (ص ۲۳) و توصیه می‌شود قبل از اینکه مخاطبان چنین درخواستی را مطرح کنند، خبرنگارنویسان به این فضا وارد شوند.



بگویم که اینترنت همان اتاق خبر سابق روزنامه‌هاست» (ص ۵۸). وی در این قسمت ضمن بیان اهمیت اینترنت برای روزنامه‌نگاران، یادگیری آن را امری ضروری و در عین حال امکان‌پذیر طی ۱۰ تا ۱۲ ساعت می‌داند.

فصل هفتم به «روزنامه‌نگاری تکنولوژیک» اختصاص دارد. مؤلف در این فصل به این امر پرداخته که تکنولوژی‌های نوین ارتباطی حتی در رسانه‌های نوین هم پیوسته در حال تغییر چهره روزنامه‌نگاری هستند (ص ۶۵). وی ویژگی اصلی تکنولوژی‌های نوین را ایجاد ارتباطات مبتنی بر کنش و واکنش متقابل میان فرستنده و گیرنده پیام، صرفه‌جویی چشمگیر در زمان و نیز ارزان بودن آن معرفی کرده است. همچنین در این فصل به نسل دیجیتال روزنامه‌نگاری پرداخته شده و مباحثی چون گزارشگری مجازی، منابع الکترونیک اطلاع‌رسان، تصاویر دیجیتال، ایجاد سایت، رادیو و اینترنت، تلویزیون و اینترنت و ژورنالیسم مستقیم [برخط] مطرح شده است. سپس تغییر ماهیت اخبار و نیز شکستن محدودیت‌های زمانی و مکانی توسط تکنولوژی‌های نوین مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل هشتم، «سایبر ژورنالیسم علیه روزنامه‌نگاری سنتی»، به نقش کامپیوترها در شبکه‌های ارتباطی که باعث شده مردم قدرت ارتباطی را از رسانه‌ها پس بگیرند، پرداخته شده است. در این فصل، ابتدا مزایای سایبر ژورنالیسم ذکر شده، سپس مشاغل در سایبر ژورنالیسم، مالکیت، افراد و نهادها، محتوای محلی رسانه‌ای، دسترسی به اطلاعات و محتوای سایبر ژورنالیسم مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده در فصل نهم و پایانی، «وبلاگ‌نویسی»، به موضوع وبلاگ پرداخته و به ویژگی‌های آن اشاره کرده است. وی با تأکید بر تفاوت‌های گفتمانی مثل استفاده از ضمیر اول شخص و زبان غیررسمی در وبلاگ‌ها، به نقش و اهمیت وبلاگ در عصر جدید پرداخته است. در خاتمه نیز با اشاره به برگزاری کلاس وبلاگ‌نویسی در مدارس روزنامه‌نگاری مشهوری مثل مدرسه روزنامه‌نگاری برکلی، مبارزه گفتمان

رسانه‌های چاپی و گفتمان وبلاگ‌ها مورد بحث قرار گرفته است.

کتاب نشر بسیار سلیس و روانی دارد و مباحث و چالش‌های مطرح در خبرنویسی مدرن در آن به خوبی و ضمن رعایت ایجاز بیان شده است. همان‌طور که قبلاً هم بیان شد و در مقدمه کتاب نیز اشاره شده است، این کتاب برای کسانی نوشته شده که با خبرنویسی کلاسیک آشنا هستند. با این حال این کتاب می‌توانست با استفاده از مثال‌های مناسب برای مبتدیان نیز کاربردهای زیادی داشته باشد.

حروف چینی و صفحه‌آرایی کتاب مناسب و خوب است و جز یک مورد اشتباه تایپی در کلمات فارسی (ص ۶۱ حرف «د» در سطر پنجم دوبار تکرار شده) و یک مورد نیز در کلمات انگلیسی (ص ۷۰ کلمه "Journalism" به جای "Journalism") مورد دیگری مشاهده نشد.

پی‌نوشت‌ها:

1. alihamidi56@gmail.com
2. http://younesspace.blogspot.com